

این فایل از کانال معلم یار ششم دانلود شده است.  
برای حمایت از ما و دریافت نمونه سوالات با پاسخنامه بیشتر  
در تلگرام آی دی زیر را جست و جو کنید

## معلم یار ششم

نمونه سوال با پاسخنامه

درسنامه

فیلم های آموزشی

فیلم حل تمرین کتاب درسی

گام به گام

جزوه

برای دریافت مطالب کافی عضو کانال معلم یار ششم

به آدرس:

@MoallemYarIR6

بشید

ورود به کانال اصلی لمس کنید

در صورت قطع کله اینترنت کشور!

دوباره برمیگردم به سایت معلم یار و مطالب جدید و پایه به پایه تو سایت میفرستم



WwW.MoallemYar.iR



WwW.6Paye.iR

## درس شانزدهم

### آداب مطالعه

#### نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: کتاب فتوت نامه‌ی سلطانی، کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی

#### معنی واژه‌ها، به ترتیب سطرها

احوال: جمع حال، سرگذشت، شرح حال	ادا خواهد کرد: بیان خواهد کرد.
دویم: دوم	چُست و چالاک: تند و تیز
عجایب: جمع عجیب، شگفتی‌ها	خام: بی تجربه، ناآگاه
گشاده: وسیع، آشکار، بی پرده	جماعت: گروه، عده، اطرافیان
سُیم: سوم	لایق: سزاوار، شایسته
محنت: رنج، اندوه	راغب: مایل، علاقه‌مند
تسلی: آرامش دادن، کاستن از اندوه کسی	نثر: نوشته، متنی که شعر نباشد.
زوال: نابودی، رو به نیستی رفتن	طعام: غذا
مُلک: سرزمین، پادشاهی، سلطنت	اعتدال: میانه‌روی
سلاطین: جمع سلطان، پادشاهان	مُحال: ناممکن، غیرممکن
عبرت: پند گرفتن	گزاف: دروغ، لاف
ثابت: پابرجا، استوار	سُبک: خوار، پست
نظم: شعر	مُستمع: شنونده
ادا: رمز و اشاره، حرکتی که از روی تقلید باشد.	ملول: غمگین، آزرده
	فاتحه: آغاز کار، اوّل چیزی، گشایش
	تکبیر: الله اکبر گفتن

#### معنی نثرها

\* بدان که قصّه خواندن و شنیدن، فایده‌ی بسیار دارد:

معنی: آگاه باش که قصّه خواندن و شنیدن قصّه (داستان)، فایده‌ی فراوانی دارد:

\* اوّل آن که از احوال گذشتگان خبردار شود.

معنی: فایده‌ی اوّل آن است که از شرح حال گذشتگان، آگاه و باخبر شود.

\* دویم آن که چه عجایب بشنود، نظر او به قدرت الهی، گشاده گردد.

معنی: دوم آن که وقتی از شگفتی‌های جهان، مطالبی را بشنود، اندیشه و نگاه او به قدرت خداوند وسیع‌تر و درک او بیش‌تر می‌شود.

\* سیم، چون محنت و شدت گذشتگان شنود، داند که هیچ‌کس از بند محنت آزاد نبوده است، او را تسلی باشد.

معنی: سوم این است که وقتی انسان قصه‌ی درد و رنج و سختی‌های زندگی گذشتگان را می‌شنود، می‌فهمد که هیچ انسانی از سختی‌های روزگار در امان نبوده است و همین سبب می‌شود که آرامش یابد.

نکته‌ی آرایه‌ای: بند محنت: تشبیه (محنت مانند بند است).

\* چهارم، چون زوال ملک و مال سلاطین گذشته شنود، دل از مال دنیا و دنیا بردارد و داند که با کس، وفا نکرده و نخواهد کرد.

معنی: فایده‌ی چهارم این است که وقتی نابودی سلطنت و ثروت‌های پادشاهان گذشته را بشنود، به دنیا و ثروت دنیا علاقه‌مند نمی‌شود و می‌فهمد که دنیا به کسی وفا نکرده و وفا نخواهد کرد.

\* پنجم، عبرت بسیار و تجربه‌ی بی‌شمار او را حاصل شود.

معنی: فایده‌ی پنجم، او پند بسیار و تجربه‌های فراوانی به دست می‌آورد.

\* و خدای تعالی با حضرت رسول (ص) می‌گوید: «ای محمد، ما از قصه‌های رسولان و خبرهای پیغمبران، بر تو می‌خوانیم. آن چه بدان، دل را ثابت گردانیم و فایده‌های کلی تو را حاصل گردد». (قرآن کریم، سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۲۰).

معنی: خدای بلندمرتبه به حضرت محمد رسول (ص) می‌گوید: «ای محمد، ما داستان‌های پیامبران و خبرهای آن‌ها را برای تو می‌خوانیم، چیزهایی که به وسیله‌ی آن دل تو را مطمئن و استوار می‌کنیم و فایده‌های زیادی برای تو دارد.

\* پس معلوم شد که در قصه‌های گذشتگان، فایده‌ای هست و خواننده و گوینده و شنونده را از آن فایده رسد. اگر پرسند که قصه‌خوانی، چند نوع است؟

بگوی دو نوع: اول حکایت‌گویی و دویم نظم‌خوانی.

معنی: پس مشخص شد که در داستان‌های گذشتگان، فایده‌های زیادی وجود دارد که خواننده و گوینده و شنونده از آن داستان‌ها، سود و فایده‌ی بسیاری می‌برند. اگر از تو بپرسند که چند نوع قصه‌گویی داریم، بگو دو نوع: اول: خواندن حکایت و قصه و دوم، خواندن شعر.

\* اگر پرسند که آداب حکایت‌گویان چند است؟ بگوی: اول آن که قصه‌ای که ادا خواهد کرد، باید که بر اُستاد خواننده باشد و با خود تکرار کرده باشد تا فرو نماند. دویم آن که چُست و چالاک، به سخن درآید و خام نباشد.

معنی: اگر از تو بپرسند قصه‌گویان به چه شکلی قصه‌ای را بیان می‌کنند؟ بگو:

قبل از این که قصه‌ای را بیان کند باید آن را برای یک استاد بخواند و با خود تکرار بکند تا مشکلی پیش نیاید. دوم آن که باید در سخن گفتن تند و تیز باشد و با تسلط کامل حکایت را بگوید و بی‌تجربه و نپخته نباشد.

\* سیم باید که داند که جماعت، لایق چه نوع سخن است، بیش‌تر، از آن گوید که مردم، راغب آن باشند. چهارم، نثر را وقت وقت، به نظم آراسته گرداند که بزرگان گفته‌اند: نظم در قصه‌خوانی چون نمک است در دیگ؛ اگر کم باشد، طعام بی‌مزه بود و اگر بسیار گردد شور شود. پس اعتدال، نگاه باید داشت.

معنی: سوم آن که باید بداند که برای چه گروهی، چه سخنی شایسته و مناسب است و بیش‌تر درباره‌ی آن موضوع سخن بگوید که مردم علاقه‌مند هستند. چهارم، نثر و نوشته‌ی خود را گاهی با شعر زیبا گرداند که بزرگان گفته‌اند: شعر در قصه‌گویی مانند نمک در غذا، لازم و ضروری است که اگر نمک کم باشد، غذا بی‌مزه می‌شود و اگر زیاد باشد، شور می‌شود؛ بنابراین باید میانه‌روی کرد.

نکته‌ی آرایه‌ای: نظم در قصه‌خوانی مانند نمک است: تشبیه

\* پنجم، سخنانِ محال و گزاف نگویند که در چشم مردم، سبک شود.

معنی: پنجم، سخنانِ غیرممکن و بیهوده نگویند زیرا در نگاه مردم، بی‌ارزش می‌شوند.

\* اگر پرسند که آداب نظم‌خوانی چند است؟

معنی: اگر بپرسند که شعر خوانی به چه شکلی است؟

\* بگوی: اول آن که به آهنگ خواند.

معنی: بگو: اول این که باید با آهنگ و وزن بخواند.

\* دویم، سخن را در دل مردم بنشانند.

معنی: دوم آن که، سخن (شعر) را اثرگذار بخواند تا برای مردم دل‌چسب باشد.

\* سیم، اگر بیتی مشکل پیش آید، شرح آن با حاضران بگوید.

معنی: سوم، اگر بیتی سخت بود، آن را برای شنوندگان توضیح دهد.

\* چهارم، چنان نکند که مُسْتَمِع، مَلول گردد.

معنی: چهارم این که شعر را به شکلی نخواند که شنونده آزرده و ناراحت شود.

\* پنجم، صاحب آن نظم را در اول یا در آخر، یاد کند و فاتحه و تکبیر گوید.

معنی: پنجم، از آن شاعر (سراینده‌ی شعر) در آغاز و پایان شعر یاد کند و برای شادی روحش فاتحه بخواند.

پیام درس

در این قسمت به دو پرسش درک مطلب، پاسخ داده می‌شود که همان پیام درس است.

۱- سه مورد از فایده‌های قصه خواندن را بیان کنید.

پاسخ

الف) از زندگی گذشتگان باخبر می‌شویم. ب) به قدرت و عظمت خداوند پی می‌بریم. ج) تجربه به دست می‌آوریم و از گذشتگان، پند می‌گیریم.

۲- چرا باید در آغاز یا پایان نوشته از شاعر یا نویسنده‌ی آن یاد کرد؟

پاسخ

این کار نوعی قدردانی کردن از شاعر یا نویسنده است؛ یعنی باید به شاعر و نویسنده احترام بگذاریم.

تاریخ ادبیات

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی

مؤلف کتاب فتوت‌نامه‌ی سلطانی است.

بخوان و حفظ کن

به گیتی، به از راستی، پیشه نیست

شاعر: فردوسی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها، به ترتیب بیت‌ها

به: بهتر	راستی: راست گو و درست کار بودن
کاستی: فساد، بدی	پیشه: کار، حرفه
خیره: بی‌پروا، گستاخ، در این درس به معنی بیهوده است.	کژی: ناراستی
دُرس: راست، حقیقت	بتر: بدتر
رای: فکر و اندیشه	ستمکاره: ستمکار
	بی فروغ: تیره و تار، بدون درخشندگی

## معنی بیت‌ها

بیت ۱: به گیتی، به از راستی، پیشه نیست / ز کژی بتر، هیچ اندیشه نیست

معنی: در جهان، هیچ کاری بهتر از راستی وجود ندارد و هیچ فکر و اندیشه‌ای بدتر از ناراستی وجود ندارد.

نکته‌ی آرایه‌ای: راستی و کژی: تضاد / به (= بهتر) و بتر: تضاد

نکته‌ی دستوری: پیشه: نهاد / هیچ اندیشه: نهاد

بیت ۲: سخن گفتنِ کژ ز بیچارگی است / به بیچارگان بر، نباید گریست

معنی: دروغ گفتن و سخن ناراست گفتن، نشانه‌ی درماندگی است. به حال انسان‌های بیچاره باید گریه کرد.

بیت ۳: هر آن کو که گردد به گردِ دروغ / ستمکاره خوانیمش و بی فروغ

معنی: هر کسی که به دنبال دروغ‌گویی باشد، ستمکار و گناهکار است.

نکته‌ی دستوری: در مصراع دوم، «—ش» در «خوانیمش»، مفعول است، یعنی او را

بیت ۴: همه راستی کن که از راستی / نیاید به کار اندرون، کاستی

معنی: همیشه درست کار و راست گو باش، زیرا از درست‌کاری هیچ نقص و کمبودی در کارها پیش نمی‌آید.

نکته‌ی آرایه‌ای: راستی و راستی: تکرار / راستی و کاستی: تضاد

نکته‌ی دستوری: راستی (همه راستی کن)، مفعول است. / کاستی: نهاد

بیت ۵: هر آن کس که با تو نگوید درست / چنان دان که او دشمنِ جانِ توست

معنی: هر کسی که به تو راست نمی‌گوید، بدان که او دشمن تو می‌باشد.

نکته‌ی دستوری: دان: فعل امر (= بدان) / نگوید: مضارع اخباری (= نمی‌گوید)

بیت ۶: گشاده است بر ما، در راستی / چه کویم خیره، در کاستی؟

معنی: وقتی که راه راستی و درستی به روی ما باز است چرا بیهوده به دنبال ناراستی و دروغ برویم؟

نکته‌ی آرایه‌ای: در کاستی کویدن: کنایه از به دنبال دروغ و بدی رفتن

نکته‌ی دستوری: در راستی: نهاد / در کاستی: مفعول

بیت ۷: مکن دوستی با دروغ‌آزمای / همان نیز با مردِ ناپاک رای

معنی: با انسان دروغگو و نیز با شخص بد اندیش دوستی نکن.

نکته‌ی دستوری: مردِ ناپاک رای: ترکیب وصفی

- دروغ آزمای: دروغگو - ناپاک رای: فکر ناسالم

پیام درس: فردوسی، بر درست‌کرداری و راست‌گویی تأکید می‌کند و دروغ‌گویی را ناپسند می‌داند و می‌گوید همیشه از انسان دروغ‌گو، دوری کن چون که دشمن جان تو است.

هم خانواده: بیت: ابیات	ثابت: اثبات	راغب: ترغیب	سلاطین: سلطان
رسول: مرسل - رسولان	نوع: انواع	ناظم: نظم	جماعت: جامعه - اجتماع
املاک: ملک	حال: احوال	عجایب: عجیب - تعجب	تجربه: تجارب - مجرب
ثابت: ثبات	مستمع: سمع		
مخالف: مجهول: معلوم	عالم: جاهل	دوست: دشمن	خام: پخته
ضرر زیان			فایده
آزاد: اسیر	سبک: سنگین - وزین	حاضر: غایب	ملول: شاد و خوشحال